

## تکنولوژی اطلاعات و تکنولوژی‌های معطوف به خود

رافائل کاپورو

ترجمه محمد خندان

دانشجوی کارشناس ارشد کتابداری و اطلاع‌رسانی

دانشگاه تهران

### چکیده

تکنولوژی اطلاعات تأثیری متناقض بر جامعه دارد. این وضعیت، تحلیل اخلاقی دو سطحی را می‌طلبد. از یک سو، مباحث مربوط به قدرت و کنترل باید با توجه به ساختارهای نهادی، هنجارهای زندگی، مورد بازبینی قرار گیرد. از سوی دیگر و همزمان با تحلیل فوق، شکل‌گیری تکنولوژیک جامعه، پذیرا شدن خصائل قدرت، تعدی، و زاجی و عقاید جزمی باید با اصالت دادن به تکثر شکل‌های زندگی، یعنی در چارچوب بحث و تخالف، مورد بازبینی قرار گیرد. مقاله حاضر با در نظر گرفتن مفهوم "تکنولوژی‌های معطوف به خود"، که توسط میشل فوکو مطرح شد، هر دو بحث را به اختصار ارائه می‌کند.

کلیدواژه‌ها: فن‌آوری اطلاعات. فن‌آوری معطوف به خود

## مقدمه

تکنولوژی اطلاعات، هیجان‌انگیزانه دست در کار تغییر بنیان‌های جوامع دموکراتیک است. مسائل و مباحث سیاسی علاوه نه فقط در نمایندگی‌های پارلمانی، در تمام انواع رسانه‌های توده‌گیر<sup>۱</sup> در معرض بحث همگانی است. همان‌گونه که والتر بنیامین (۱۹۳۶) به وضوح در سال ۱۹۳۶ دریافت، بحران دموکراسی‌های مدرن، با نظر افکندن به تغییر ارتباط میان سیاستمداران و عامه مردم در پارلمان و تبدیل آن به تبلیغ و عرضه در رسانه‌های توده‌گیر قابل درک است. مطابق نظر بنیامین، این امر در ظهور معیارهای انتخاباتی جدید دلالت دارد؛ چیزی شبیه به دگر‌دیدی از تئاتر به فیلم و از ورزش یونانی به ورزش مبتنی بر آزمون‌های کمی. اما مسئله اساسی این است که تکنولوژی اطلاعات، نحوه مسلط شکل‌دهی به هویت فرهنگی خود و/یا تحمیل این هویت به دیگران است. این وضعیت، تحلیل اخلاقی دو سطحی نقش تکنولوژی اطلاعات در جوامع مدرن را می‌طلبد. این تحلیل مبتنی بر تمایزی است که میشل فوکو (۱۹۸۴) میان اخلاق مبتنی بر قانون<sup>۲</sup> و اخلاق مبتنی بر خود<sup>۳</sup> قائل می‌شود. فوکو روش‌ها و فنونی که به واسطه آنها خودمان را می‌سازیم/برپا می‌داریم مراقبه<sup>۴</sup> معطوف به خود<sup>۴</sup> یا تکنولوژی (کاربست)‌های معطوف به خود<sup>۵</sup> می‌نامد. این نکته، از عهد باستان که فلسفه، کاربرستی برای خود - رایانی<sup>۶</sup> از طریق پروژه مستمر خود - نمودارگری<sup>۷</sup> به حساب می‌آمد، نکته‌ای کلیدی در تفکر اخلاقی بوده است. چنین طرحی به معنای اهتمام به روابط حقیقت، قدرت، و میل است. کاربرست اختیار یا مراقبه معطوف به خود، باید از تعدی جلوگیری کرده و برای اصالت، یعنی تلاش برای همبستگی تلاش و تکثر در زندگی فردی و جمعی مان مبارزه کند.

1. Mass Media

2. Code-Oriented Morality

3. Self-Oriented Morality

4. Care of the Self

5. Technologies of the Self

6. Self-Regulation

7. Self-Representation

هدف من در مقاله حاضر تحلیل برخی وجوه مشترک تکنولوژی اطلاعات و تکنولوژی‌های معطوف به خود است. مسئله راهبردی من از این قرار است: همان گونه که رونالد داکتر<sup>۱</sup> (۱۹۹۱) می‌گوید، ما چه گونه می‌توانیم تضمین کنیم که مزایای تکنولوژی اطلاعات نه فقط عادلانه توزیع شود، بلکه به گونه‌ای توسط افراد به خدمت گرفته شود که بتوانند زندگی خاص خود را نیز شکل دهند؟ من در وهله اول در همسخنی با برخی از متفکران پیشرو بعضی از ویژگی‌های یک جامعه شکل گرفته توسط تکنولوژی اطلاعات را مختصراً مورد اشاره قرار خواهم داد. تحلیل‌های این متفکران بیانگر آن است که تکنولوژی اطلاعات - همچون سایر فرآورده‌های تکنولوژیک - دارای تناقض است. در وهله دوم ارتباط متقابل قوانین اخلاقی و تکنولوژی‌های معطوف به خود را با توجه به تأثیر اجتماعی تکنولوژی اطلاعات نشان خواهم داد.

### ۱. تأثیر متناقض تکنولوژی اطلاعات بر جامعه

بد نیست قبل از بررسی برخی جنبه‌های مربوط به تناقض جامعه‌ای که توسط تکنولوژی اطلاعات شکل گرفته است ریشه‌های این مسئله را واکاوییم. در حالی که در یونان باستان آزادی گفتار<sup>۲</sup> مبنای بنیادی دموکراسی دولت‌شهر<sup>۳</sup> بود، عصر روشنگری اولویت آزادی نوشتار را به عنوان مبنای جدید دموکراسی‌های مدرن معرفی کرد. بر خلاف شهر باستان، دموکراسی‌های مدرن باید بر پایه اصولی که بالقوه توسط تمام ابناء بشر مورد شناسایی و پذیرش قرار گرفته‌اند بنا شوند و دیگر اهمیتی ندارد که آنها به قوم (یا گروهی خاص) تعلق دارند یا نه. این موقعیت، تنها در صورتی برقرار می‌شود که آزادی اندیشه، که در واقع مبنای سایر اصول دموکراتیک است، در بند محدودیت زمانی و مکانی ارتباطات گفتاری نماند. همان‌گونه که کانت (۱۹۶۸) می‌گوید، کاربرد همگانی عقل بسته به آزادی نوشتار است، زیرا نوشتار رسانه بالقوه جهان

1. Ronald Doctor

2. Parrhesia

3. Polis

شمولی است که به واسطه آن، عقل انتقادی می‌تواند میان همه انسان‌ها قسمت شود؛ حداقل مادام که هر فرد قادر به خواندن و دسترسی به نوشتار است (کاپورو، ۱۹۶۸). دموکراسی‌های مدرن فقط بر آزادی سخن مبتنی نیستند، بلکه با آزادی انتشارات نیز نسبتی وثیق دارند. با این همه، یکی از دلایل علاقه‌مندی ما به تکنولوژی‌های اطلاعات آن است که دیگر به مسئله دسترسی به آن چه گفته / نوشته می‌شود، همچون عصر روشنگری ساده لوحانه و ناچیز شمارانه نگاه نمی‌شود. در جامعه اطلاعاتی مسئله آزادی دسترسی بسیار مهم و حیاتی می‌شود.

مقصود من از تکنولوژی اطلاعات عمدتاً رسانه‌هایی است که به واسطه آنها می‌توانیم با هم ارتباط برقرار کنیم. به دلیل وجود طیف گسترده‌ای از شکل‌های ترکیبی تکنولوژی‌های اطلاعاتی و رسوخ آنها به همه جوانب زندگی اجتماعی، ایجاد سنخ‌شناسی‌هایی از قبیل رسانه‌های گرم<sup>۱</sup> و رسانه‌های سرد<sup>۲</sup> (مکرلوهان، ۱۹۶۴). یا رسانه‌های توده‌گیر و رسانه‌های فردی در راستای هدفم ضروری نبود. ترکیب دموکراسی و تکنولوژی اطلاعات که جامعه اطلاعاتی‌اش می‌خوانیم به چه شبیه است؟ ژان فرانسوا لیوتار (۱۹۷۹)، فیلسوف فرانسوی، در کتاب خود با عنوان "موقعیت پست مدرن" آثار تکنولوژی اطلاعات بر علم و کنترل آن را توصیف می‌کند. تکنولوژی اطلاعات که در ذخیره و مدیریت دانش به کار می‌رود، نه تنها درک سلسله مراتبی از دانش را برهم می‌زند، بلکه به طور بالقوه کنترل انحصاری دانش توسط یک گروه اجتماعی (فی‌المثل حزب یا دانشگاه) را نیز تضعیف می‌کند. به عبارت دیگر، همبستگی دانش و تکنولوژی اطلاعات بر امکان تکثر و تخالف در درون یک جامعه و میان جوامع مختلف دلالت دارد. به منظور دستیابی به این وضعیت تکثرگرایانه، لیوتار مدعی حق دسترسی پایگاه‌های داده‌هاست<sup>۳</sup>. به عنوان دیدگاهی متفاوت با دیدگاه لیوتار، تنها به دیدگاه یورگن هابرماس (۱۹۸۸) اشاره می‌کنم. به زعم هابرماس، فرض بر آن است که

1. Hot Media

2. Cold Media

3. Databases

رسانه های توده گیر باید ابزار توافق باشند نه مخالف. تکنولوژی اطلاعات، مادام که جامعه‌ای شفاف‌تر یعنی جامعه‌ای عقلانی‌تر را به بار می‌آورد دارای قابلیت‌های بخش‌بندی است. اما مطابق نظر جیانی و اتیمو، یکی از متفکران پیشرو پست مدرن، رسانه‌های توده گیر جامعه‌ای شفاف‌تر ایجاد نمی‌کنند بلکه به ایجاد جامعه‌ای آشفته‌تر می‌انجامند. به نظر واتیمو این آشفستگی<sup>۱</sup> با عدم عقلانیت یکی نیست، بلکه موقعیتی تکثرگرایانه است. در حالی که هابرماس به دنبال توافق میان زمینه‌هایی است که ظهور عقلانیت جهان شمول را امکان پذیر می‌کنند، واتیمو بر خرده - عقلانیت‌ها تأکید دارد، زیرا ایده عقلانیت جهان شمول که به معنای یک تفسیر مشترک جهانی است، با تنوع آن جهان واحدی که به قول نیچه دیگر به افسانه بدل گردیده، مطرود شده است. دیگر هیچ جایی برای دیدگاه آرمان شهری<sup>۲</sup> وجود ندارد، بلکه تنها می‌توان از امکان‌های مختلف، یعنی از امکان‌های نا-آرمان شهری<sup>۳</sup> سخن گفت (واتیمو<sup>۴</sup>، ۱۹۸۵ و ۱۹۸۹). مطابق نظر واتیمو، که در واقع بسط دیدگاه‌های بنیامین درباره تکثیر تکنیکی اثر هنری و نقد هیدگر از متافیزیک غرب است، به نظر می‌رسد که غرب در حال رسیدن به تجربه استحسانی جدیدی است که مشخصات عمده آن عبارت است از: التقاط‌گرایی<sup>۵</sup>، نا بنیادیت<sup>۶</sup> و ناپایداری<sup>۷</sup>. نهایتاً متفکرانی همچون ژان بودریار (۱۹۸۷) و نیل پستمن (۱۹۹۱) ازدیاد اطلاعات را تهدیدی برای تفکر اخلاقی متعهدانه و فرهنگ (به معنای عام کلمه) می‌دانند. این دیدگاه‌ها به آسیب شناسی‌های مطرح از جانب وبستر و رابینز (۱۶۸۶) که رونالد داکتر (۱۹۹۱) به آنها اشاره می‌کند شبیه‌اند. بر این اساس به نظر می‌رسد که تأثیر تکنولوژی اطلاعات بر جامعه، راهی جز کنترل کامل یا آسیب پذیری کامل پیش پای ما نمی‌گذارد (روسناکل، ۱۹۸۹).

1. Chaos

2. Utopian Veiw

3. Heterotopian Possibilities

4. Vattimo

5. Ecclecticism

6. Non-essentiality

7. Ephemerality

این رویکردهای مناقشه برانگیز به وضوح نشانگر تأثیر متناقض تکنولوژی اطلاعات بر جامعه‌اند. تکنولوژی اطلاعات ساحات تعدی و آزادی بخشی، تخریب و طراحی زیبا استحسابی ایدئولوژی و تکثر، توافق و تخالف را به طور همزمان به روی ما می‌گشاید. به عبارت دیگر، تکنولوژی اطلاعات خنثی نیست (فرولیچ<sup>۱</sup>، ۱۹۹۰) این بدان معناست که ما نمی‌توانیم تکنولوژی را صرفاً ابزاری بینگاریم که ریشه‌ای در حیات فردی و اجتماعی و به عبارت دیگر، تاریخ و کاربست‌های فرهنگی مان ندارد. به جای جداسازی واکافتی<sup>۲</sup> تکنولوژی از زیست - جهانی<sup>۳</sup> که آن را در برگرفته است، باید بکوشیم به گونه‌ای هم - نهادی<sup>۴</sup> بدان بنگریم، یعنی بکوشیم روابط متقابل انسان، طبیعت و تکنولوژی را دریابیم و از مغالطه‌های ناشی از بشرانگاری<sup>۵</sup>، طبیعت‌انگاری<sup>۶</sup> و ابزارانگاری<sup>۷</sup> پرهیزیم. منتها در عصر تکنولوژی اطلاعات، مشکل است که این تفکر هم - نهادی، در این بازارگاه بشر ساز مشارکت جوید (کاپورو، ۱۹۹۳). اهتمام به آن چه در تکنولوژی اطلاعات و با تکنولوژی اطلاعات بدان می‌اندیشیم و انجامش می‌دهیم، به معنای جست و جوی فصل مشترک میان تکنولوژی اطلاعات و تکنولوژی‌های معطوف به خود است. این بدان معناست که تکنولوژی اطلاعات را به منزله چالشی اخلاقی مورد رسیدگی قرار دهیم.

## ۲. تکنولوژی اطلاعات به منزله چالشی اخلاقی

ما چگونه می‌توانیم تضمین کنیم که مزایای تکنولوژی اطلاعات نه تنها عادلانه توزیع شود، بلکه به گونه‌ای توسط افراد به خدمت گرفته شود که بتوانند زندگی خاص خود را نیز شکل دهند؟ بخش اول مسئله به جنبه‌های قانونی و نهادی ارجاع دارد. بخش دوم از

1. Froehlich

2. Analytic

3. Life-World

4. Synthetic

5. Humanism

6. Naturalism

7. Technicism

این حد فراتر می‌رود و نه فقط به هنجارهای زندگی<sup>۱</sup>، که به شکل‌های زندگی<sup>۲</sup> نیز می‌پردازد. این هر سه جنبه مستلزم پرسش‌هایی در باب حقیقت، قدرت، و میل و به عبارت دیگر، مستلزم گزینه‌های فردی و اجتماعی مربوط به این پرسش‌هاست (کاپورو، ۱۹۹۲، الف). با این مقدمات است که می‌توانیم بپرسیم: ما چگونه می‌توانیم تضمین کنیم که گزینه‌های نهادی، هنجاری و شکل‌دهنده زندگی<sup>۳</sup> مصون از یکسان‌سازی باقی می‌ماند؟ جواب من آن است که کنترل قانونی تکنولوژی اطلاعات کافی نیست، بلکه این جنبه‌های هنجاری نه تنها بر پایه اخلاق مبتنی بر قانون، بلکه بر پایه اخلاق مبتنی بر خود نیز باید قرار گیرند.

مقصود فوکو از تمایزگذاری میان اخلاق مبتنی بر قانون و اخلاق مبتنی بر خود، اشاره به تعارض میان قوانین اخلاقی و آزادی فردی نیست. بالعکس، تمایزگذاری فوکو بر مکمل‌بودگی این دو نسبت به هم تأکید دارد. داشتن قوانین اخلاقی و عمل بر طبق آنها، برای تبدیل شدن به یک سوژه اخلاقی<sup>۴</sup> کافی نیست. پای جنبه دیگری در کار است که به گزینه‌های مختلفی مربوط می‌شود که به واسطه آنها می‌توانیم قوانین اخلاقی را در بافت زندگی فردی و تاریخی و فرهنگی جوامع مختلف به کار بندیم. در این صورت، ما کارگزاران اخلاقی صرف نیستیم، بلکه در مقام افراد و جوامع، به سوژه‌های اخلاقی کنش‌های خود بدل می‌شویم. ما یک "من" یا "ما" با هویت لایتغیر نیستیم، بلکه برآیند انتخاب‌های ممکن در فرایند شکل‌دهی به هویت فردی و اجتماعی خود، در نظامی از کاربست‌های زبان‌شناسیک و نهادی هستیم (دریفوس و رابینو، ۱۹۸۳، ۵). "خود"، سوژه انتزاعی‌ای نیست که توسط نظریه‌های معرفت‌شناسیک وضع شده باشد، بلکه برآیندی پویا از مآثورات و طرح‌های زندگی است که به واسطه آنها هویت فردی و اجتماعی دائماً

---

1. Living Norms

2. Living Forms

3. Life-Forming

4. Moral Subject

5. Dreyfus & Rabinow

خلق می‌شود و مورد پرسش قرار می‌گیرد. اما کاوش اخلاقی اصالت<sup>۱</sup>، صرفاً فرایندی نیست که از طریق آن با تشخیص متقابل تفاوت هایمان، متفاوت می‌شویم. به گونه‌ای بنیادی‌تر، هم‌طور که امانوئل لویناس (۱۹۶۱) می‌گوید، این امر به معنای استیضاح شدن چهره به چهره توسط غیر<sup>۲</sup> و علی‌الخصوص بی‌چیزها<sup>۳</sup> است. کاوش اخلاقی خود، مسبوق است به زیر سؤال بردن غیر است و اگر مراقبه معطوف به خود به منزله گرانگاه مراقبت از روابط متقابل مان که در چهره قوانین، کار بست‌ها، و نهادهای نانوشته جلوه می‌کنند در نظر گرفته نشود، چنان که باید و شاید به درستی درک نخواهد شد.

بر این اساس، می‌توانیم دوباره پرسیم که: ما چگونه می‌توانیم تضمین کنیم که مزایای تکنولوژی‌های اطلاعات نه تنها عادلانه توزیع شود، بلکه به گونه‌ای توسط بنیادین توسط افراد به خدمت گرفته شود که بتوانند زندگی‌های خاص خود را نیز شکل دهند؟ در سطح نهادی، این مهم نه تنها از طریق "نهادهای ملی و محلی دموکراسی اطلاعاتی"، آنچنان که رونالد داکتر (۱۹۹۱) پیشنهاد می‌کند، بلکه از طریق فعالیت‌های جهانی از قبیل "مؤسسه بین‌المللی دموکراسی اطلاعاتی" انجام پذیر است. در واقع، نهادها و قوانین اخلاقی شرط لازم برای بنا نهادن واقعیت اجتماعی<sup>۴</sup> اند، اما شرط کافی نیستند (دالبوم<sup>۵</sup>، ۱۹۹۱). این هر دو باید در پیوند با امکان‌های نقادی ما قرار گیرند، زیرا در غیر این صورت ممکن است به ابزارهایی برای سرکوب و تعدی تبدیل شوند. به عبارت دیگر، به واسطه نهادها و قوانین اخلاقی و حقوقی است که می‌توانیم حق دستیابی و توزیع عادلانه اطلاعات را به منظور پر کردن فاصله اطلاعاتی میان فقیر اطلاعاتی<sup>۶</sup> و غنی اطلاعاتی<sup>۷</sup> تضمین کنیم. با این همه، اگر فعالیت‌های نهادی و قانون - مدار خود را در چارچوبی از تکنولوژی‌های معطوف به خود مستقر نکنیم، آنها فقط به

1. Authenticity

2. The Other

3. The Have-nots

4. Social Reality

5. Dahlbom

6. Information Poor

7. Information Rich



باززایی فرایندی بوروکراتیک می‌انجامند. این نظر، مدافعه از آنارشی یا انکار نقش و ضرورت هنجارها و نهادها نیست، بلکه طلب مراقبه اخلاقی از یکتایی و یکه‌بودگی<sup>۱</sup> وجود فردی و جمعی ماست.

من در جایی دیگر (کاپورو، ۱۹۹۰) گفته بودم که ما نیاز مند چیزی شبیه به یک زیست - بوم اطلاعاتی<sup>۲</sup> هستیم تا از عهده آثار فاجعه بار تکنولوژی اطلاعات بر افراد و اجتماع برآییم. فجایعی از قبیل:

- فاصله فزاینده میان غنی و فقیر اطلاعاتی؛
- استعمار تکنولوژیک زیست - جهان؛
- از خود بیگانگی فرهنگی گروه‌های درون جوامع به منزله یک کل؛
- کنترل الیگارشیک منابع اطلاعاتی.

باید از این سوء تفاهم جلوگیری کنم که استفاده از استعاره زیست - بوم را نباید به کار برد حریصانه مقولات طبیعت در حوزه اجتماع تفسیر کرد. ما اصالتاً علاوه بر طبیعت، در زبان نیز مسکن<sup>۳</sup> می‌گزینیم. تأثیر تکنولوژی اطلاعات بر لوگوس<sup>۴</sup> ما، اگر به اندازه تأثیر لوگوس تکنولوژیک بر طبیعت نباشد از آن کم‌تر نیست.

کریستین فلوید<sup>۵</sup> (۱۹۹۲، الف) دانشمند علوم رایانه پیشنهاد کرده است که دانشمندان و مهندسان، برای به دست گرفتن مسئولیت اخلاقی باید از علم بگذرند. و به عبارت دیگر، باید با زبانی عام در باره ارزش‌ها سخن بگویند. وی در عرصه ارزش‌ها، میان شیوه مبتنی بر اقتدار<sup>۶</sup> و شیوه مبتنی بر اصالت<sup>۷</sup> تمایز قائل می‌شود. در حالی که اولی بر سلسله مراتب، قانون، اطلاق، فرمان، اطاعت و کنترل مبتنی است، دومی مستلزم

---

1. Uniqueness

2. Information Ecology

3. Oikos=House

4. Logos

5. Christian Floyd

6. Authority-Mode

7. Authenticity-Mode

شبکه‌ای از نسبت‌ها، انتخاب‌ها، واقع‌بودگی<sup>۱</sup>، دعوت‌گری، تعهد، و حمایت متقابل است. فلوید به شرح و بسط آنچه دیدگاه تیمارگرانه<sup>۲</sup> اش خوانده و مبتنی بر جنبه‌های زیر است، می‌پردازد:

● فردیت، که محدود سازی خود<sup>۳</sup> را پیش فرض قرار می‌دهد؛

● تنوع، که احترام متقابل را پیش فرض قرار می‌دهد؛

● خویشاوندی، که به آشتی نظر دارد؛

● تعادل، که فلوید آن را به نگرش تیمارگرانه<sup>۴</sup> مراقبه مرتبط می‌داند.

این تغییر سرمشق (پارادایم) از شیوه<sup>۵</sup> مبتنی بر اقتدار به شیوه<sup>۶</sup> مبتنی بر اصالت، بسیار شبیه تمایزی است که فوکو میان اخلاق مبتنی بر قانون و اخلاق مبتنی بر خود قائل می‌شود. به نظر من اشتباه است که این دو نوع اخلاق را در تقابل و ضدیت با هم بدانیم. اگر اخلاق را هنر زندگی<sup>۴</sup> بدانیم، پس نمی‌توانیم آن را به منزله<sup>۷</sup> جایگزینی برای اخلاق کلی مبتنی بر قانون در نظر بگیریم. اخلاق به منزله<sup>۸</sup> هنر زندگی، باز مسئله کلاسیک غایات عمل را پیش می‌کشد و مسائل اخلاقی مطرح در درون طرح‌های زندگی گوناگون را در بر می‌گیرد. پس اخلاق مذکور، تنها یک دیدگاه نیست، بلکه یک علم الاخلاق رایزنانه<sup>۵</sup> است (کرامر<sup>۶</sup>، ۱۹۹۲). این چالشی اساسی برای جامعه<sup>۹</sup> اطلاعاتی است که قادر باشد به اطلاعات به منزله<sup>۱۰</sup> چیزی بنگرد که به کنه علم اخلاق تعلق دارد و جزیی لاینفک از فرایند رایزنانه<sup>۱۱</sup> عقل عملی<sup>۷</sup> و فرایند خلاقانه<sup>۱۲</sup> تخیل بشری است. لذا من معتقدم که ایجاد و بسط علم اطلاعات<sup>۸</sup> به منزله<sup>۱۳</sup> رشته‌ای سخن‌ورانه<sup>۹</sup> که شاخصه‌های اصلی آن جنبه‌های اخلاقی، استحسانی، سیاسی است امکان‌پذیر است.

1. Situatedness

2. Healing Vision

3. Self-limitation

4. The Art of Living

5. Deliberative Ethics

6. Kramer

7. Practical Reason

8. Information Science

9. Rhetorical Discipline

اگر جامعه اطلاعاتی را جامعه‌ای رایزنانه و خلاق بدانیم که شور و مشورت در آن نقشی کلیدی ایفا می‌کند - همچنان که در واقع در دموکراسی‌ها باید این‌گونه باشد - پس شبکه‌های اطلاعاتی، مطابق با این بصیرت که "ما در طراحی ابزارها انحاء بودن را طراحی می‌کنیم" (وینوگراد و فلورس<sup>۱</sup>، ۱۹۸۶). می‌توانند بازارگاهی بشر ساز برای بحث، تخالف، و مشورت باشند. ما نباید هم خود را تنها صرف یادگیری نحوه ذخیره‌سازی، بازیابی، و مدیریت اطلاعات کنیم، بلکه باید خودآگاه باشیم که عمدتاً به مدیریت و دستکاری دانش سودار<sup>۲</sup> مشغولیم. مراد آن است که عمده هم ما در یک جامعه اطلاعاتی باید از نوع زندآگاهانه (هرمنوتیکی) باشد که خود مستلزم هنرهایی انتقادی از قبیل تفسیر، طراحی استحسانی یا خلاق، و تعهد به زندگی است. به عبارت دیگر، ما نیازمند تکنولوژی اطلاعات هستیم، منتها در پیوند با تکنولوژی‌های معطوف به خود: هنر دوستی، هنر انتخاب، هنر سکوت، و هنر خنده. بیایید در باب این تکنولوژی‌های معطوف به خود و رابطه‌شان با تکنولوژی اطلاعات بیندیشیم.

هنر دوستی رغمارغم قدرت پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

در یک نگرش تیمارگرانه مادام که ساختارهای قدرت و تعدی مانع از دگرگونی تکنولوژی اطلاعات توسط مردمی می‌شوند که در صدد کمک به خود و دیگران برای شکل‌دهی به زندگی هاشان هستند، تکنولوژی اطلاعات باید در معرض سؤال و نقد قرار گیرد. در این جا مقصود از دگرگونی، تغییر بنیادین دیدگاه است: تکنولوژی اطلاعات یک ابزار صرف که می‌تواند باعث دگرگونی ما و جهان‌مان شود نیست، بلکه در همین حین ما باید آن را در طرح‌های متفاوت زندگی مستحیل سازیم تا تنوع زندگی در کره ارض را حفاظت کرده و آن را بالنده سازیم (کاپورو، ۱۹۹۱). ما تا به حال تحت لوای سلطه، دست در کار بسط تکنولوژی مدرن بوده‌ایم. طبیعت این آخرین بخت را به

ما ارزانی می‌دارد تا تحت لوای دوستی به تکنولوژی رو کنیم. هانس یوناس<sup>۱</sup> (۱۹۸۴) نشان داده است که ما نمی‌توانیم ضرورت دوستی را به جهان معاصر محدود کنیم، بلکه باید آن را به نسل‌های آتی نیز امتداد دهیم.

### هنر انتخاب رگمارغم تعدی

تکنولوژی اطلاعات ابزاری برای خلق واقعیت به ما ارزانی می‌کند، اما اگر به گونه‌ای همزبانانه (دیالوژیک) - یعنی از طریق به رسمیت شناختن سایر انسان‌ها و موجودات زنده و احترام به آنها - به انتخاب پردازیم، مهلک و فاجعه بار خواهد بود. همان گونه که کریستین فلوید (۱۹۹۲ ب) می‌نویسد: "جنبه‌ای مهم از دانش رایانه آن است که این دانش با خلق واقعیت سر و کار دارد: واقعیت تکنیکی<sup>۲</sup> برنامه‌هایی که در رایانه اجرا می‌شوند و شرایط و موقعیت‌های مربوط به واقعیت انسانی<sup>۳</sup> که به هنگام استفاده از رایانه آشکار می‌شوند. لذا به این اعتبار، مقولات مفهومی صادق و کاذب که دانش رایانه بر آنها مبتنی است [منطق دو دویی] نابسنده است. ما باید از طریق یافتن مقولاتی برای بیان تنوع انتخاب‌ها مان و تمایزگذاری میان کم یا بیش مطلوب‌تر، آنچنان که در ایجاد تمایزات و تصمیم‌ها در فرایندهای طراحی گروهی اعمال می‌کنیم، از مقولات دوگانه مذکور بگذریم. این امر برای آنکه به خوبی از عهده مسئله کیفیت در توسعه و کاربرد نرم‌افزارها<sup>۴</sup> برآیم ضروری است." (فلوید، ۱۹۹۲ ب، ص ۲۰).

### هنر سکوت رگمارغم وراجی

تکنولوژی اطلاعات یک تکنولوژی وراج<sup>۵</sup> است. بر ما ست که هنر سکوت را بیاموزیم تا آنچه دیگران می‌گویند بشنویم و بر ما ست که سخن بگوییم تا از تابوی

1. Hans Jonas

2. Technical Reality

3. Human Reality

4. Softwares

5. Loquacious Technology

سکوت ناشی از سرمشق کهن علم و تکنولوژی فارغ از ارزش بگذریم. ما برای همزیستی در جهانی مشترک، به یک لوگوس اخلاقی همه گیر نیازمندیم. اما این لوگوس، وقتی صورت تکنولوژیک رسانه‌های توده گیر را به خود می‌گیرد، هر آینه ممکن است تک - گویانه (مونولوژیک) باقی بماند. ما باید یاد بگیریم که به تفاوت‌های خرده - عقلانیت‌ها گوش فرا دهیم و آنها را به رسمیت بشناسیم. نیز باید یاد بگیریم که به ساحات ساکت خود، یعنی تناهی و رنج گوش فرا دهیم. فراگیری هنر سکوت از یک طرف، به معنای آن است که یاد بگیریم چگونه با عدم، یعنی آن عدمی که اگزیستانس<sup>۱</sup> انسان می‌خوانیم‌اش مواجه شویم (گوگن<sup>۲</sup>، ۱۹۹۲) و از طرف دیگر، به معنای احساس مسئولیت در قبال رنج دیگران است؛ علی‌الخصوص هنگامی که این دیگران تنها تصویری بر صفحه تلویزیون هستند.

### هنر خنده رگمارغم ترس

تکنولوژی برخی از ویژگی‌های اعتقاد جزمی را دارد. امبرتو اکو<sup>۳</sup> در رمان مشهور خود "نام گل سرخ"<sup>۴</sup> نشان داده است که هنر خنده برای تمام عقاید جزمی خطرناک است. خنده نیز هم چون سکوت، انواع گوناگون دارد. من در اینجا به آن خنده‌ای نظر دارم که در واقع، بیان بصائری درباره ضعف‌های اساسی طرح‌های تکنولوژیک ماست. در دوران باستان خنده را نشانه جنون حکمت‌آمیز می‌دانستند. هنر خنده، از توانایی ما در به زیر سؤال بردن هویت فردی و جمعی مان حکایت می‌کند. خنده بر استعداد فردی و جمعی ما در رسیدن به آنچه نیستیم، یا آنچه نمی‌فهمیم و در واقع، برای متفاوت بودن گواهی می‌دهد. این به ما فرصت می‌دهد تا ارزش‌ها را از منظری نه فقط سیاسی، بلکه از منظری چند اخلاقی<sup>۵</sup> به زیر سؤال ببریم (کاپورو، ۱۹۹۲ الف). همان‌طور که توماس

1. Existence

2. Goguen

3. Unbrto Eco

4. Il nome della rosa

5. Poli-ethical

فرونلیش (۱۹۹۱، ۲۲۹). خاطر نشان می‌کند، اخلاق مراقبه<sup>۱</sup> نمی‌تواند آنچه که راولز تکنیک پرده غفلت<sup>۲</sup> می‌نامد را به کار بندد و چشم خود را بر فردیت و متنیت<sup>۳</sup> (زمینه‌مندی) مسائل و نیازها ببندد، البته مراقبه را نباید با ترس یکی انگاشت (راولز<sup>۴</sup>، ۱۹۷۱). ما باید اطمینان حاصل کنیم که کاربرست‌های اطلاعات به بخشی از کاربرست‌های رایزنی، مشورت، و ابراز مخالفت بدل می‌شود؛ کاربرست‌های اطلاعات باید به بخشی از طرح به زیر سؤال بردن خود<sup>۵</sup> بدل شود تا موجب پیدایش شکل جدیدی از قدرت نگردد، زیرا در غیر این صورت گفتمان زندان تمام-دید<sup>۶</sup> را به گفتمان ابر زندان تمام-دید<sup>۷</sup> بدل می‌کند (پوستر<sup>۸</sup>، ۱۹۹۰).

### نتیجه‌گیری

من کوشیده‌ام تا نشان دهم که تأثیر تکنولوژی اطلاعات بر جامعه می‌تواند از طریق منظر اخلاقی تکنولوژی‌های معطوف به خود دگرگون شود. در این جا مراد از خود، نفس<sup>۹</sup> نیست. بلکه برآیند ساحات طبیعی و مصنوعی‌یی است که ما به واسطه‌شان هویت هامان را شکل می‌دهیم و منظور من از هویت‌ها، تفاوت‌هاست. حرف من این است که از روابط میان انسان، جهان، و تکنولوژی آگاه باشیم. روی دیگر این سکه همانا آگاهی از مغالطه‌های بشرانگاری، طبیعت‌انگاری، و ابزارانگاری و تفکر واکافتی است. مراقبه معطوف به خود، از آن حیث که به واسطه آن، به گونه‌ای ایجابی وابستگی‌های متقابل مان را می‌شناسیم، یک تفکر هم-نهادی است: وابستگی بشر به طبیعت و تکنولوژی، وابستگی تکنولوژی، ما چگونه می‌توانیم تضمین کنیم که مزایای تکنولوژی

1. Ethics of Care

2. Veil of Ignorance

3. Contextuality

4. Rawls

5. Self-questioning

6. Panopticon

7. Super-panopticon

8. Poster

9. Ego

اطلاعات نه تنها عادلانه توزیع شود، بلکه به گونه‌ای توسط افراد به خدمت گرفته شود که بتوانند زندگی خاص خود را نیز شکل دهند؟ من بر آنم تکنولوژی‌های معطوف به خود جزیی لاینفک از جواب به این سؤال‌اند.

## مآخذ

- Baudrillard, Jean(1987). *L'autre par lui meme*. Paris: Galilee.
- Benjamin, Walter(1936/1990). "Das Kunstwerk im Zeitalter Seiner Technischen Reproduzierbarkeit" (1. Fassung). *Gesammelte Schriften*. Frankfurt a M.: Suhrkamp. Vol.I.
- Capurro, Rafael(1986). *Hermeneutik der Fachinformation*. Freiburg/ Munchen: Alber.
- Capurro, Rafael(1991). "Informationstechnik in der Lebenswelt." P. Gorni, ed.: *Informatik und Schule* 1991. *Information-Fachberichte* 292. Berlin: Springer, 16-26.
- Capurro, Rafael(1990). "Towards an Information Ecology." In I. Wormell. ed.: *Information Quality: Definitions and Dimensions*. London: Taylor Graham, 122-139.
- Capurro, Rafael(1992). "What is Information Science for?" In: P. Vakkari, B. Cronin(eds): *Conceptions of Library and Information Science*. London: Taylor Graham, 82-96.
- Capurro, Rafael(1992a). "Pour une 'poli-ethique' de l'information." *Concordia* 22, 44-49.
- Capurro, Rafael(1993). "'Sein und Zeit' und die Drehung ins Synthetische Denken." In: M. Eldred, ed: *Twisting Heidegger*. Cuxhaven: Junghans, 51-65.
- Dahlbom, Bo(1991). "The Idea that Reality Socially Constructed." In: C. Floyd et al.(eds.). *Software Development and Reality Construction*. Berlin: Springer, 101-126.
- Doctor, Ronald D.(1991). "Information Technologies and Social Equity: Confronting the Revolution." *Journal of ASIS* 42(3), 216-228.
- Dreyfus, Hubert L.. Rabinow, Paul (1983). *Michel Foucault: Beyond Structuralism and Hermeneutics*. The Univ. of Chicago Press.
- Eco, Umberto(1980). *Il nome della rosa*. Milano: Fabbri- Bompiani.

- Floyd, Christaine(1992a)."Science and Ethics", In:R.Rilling,h.Spitzer, O.Greene, F.Hucho,G.Pati(Eds)..*Challenges:Science and Peace in Rapidly Changing Environment*. International Congress of Scientists and Engineers. Berlin,29.November- 1. December 1991. Proceedings. Schriftenreihe Wissenschaft und Frieden, 172-189.
- Floyd, Christaine(1992)." Human Questions in Computer Science".In:C.Floyd et al. (Eds.). *Software Development and Reality Construction*. Berlin: Springer. 15-30.
- Foucault, Michel(1984).*L'usage des plaisirs*. Vol.2. Paris: Gallimard.
- Froehlich. Thomas J.(1990)."Ethical Ideologies, and Practices of Information Technology and Systems."In: *Information in the Year 2000: From Research to Applications*. Proceed. Of the 53 Annal Meeting of the ASIS, Vol.27. Medford, NJ: Learned Information, 245-255.
- Friehlich, Thimas J.(1991)."Ethics and the Dissemination of Information." *Library Trends* 40(2) 275-302.
- Goguen, Joseph A.(1992)."Truth and Meaning Beyond Formalism." In: C. Floyd et al.(Eds.). *Software Development and Reality Construction*. Berlin: Springer, 353-362.
- Habermas, Jurgen(1988).*Theorie des Kommunikativen Handelns*. Frankfurt a.M. Suhrkamp. 2 Vol.
- Haptman, Robert(Ed.)(1991)." Ethics and the Dissemination of Information." *Library Trends* 40(2) 199-375.
- Jonas, Hans(1984). *Das Prinzip Verantwortung*. Frankfurt: Suhrkamp.
- Kant, Immanuel(1968). *Beantwortung der Frage: Was ist Aufklärung?* Akademie-Ausgabe, Bd. VII.
- Kramer, Hans(1992). *Integrative Ethik*. Frankfurt a.M.: Suhrkamp.
- Levinas. Emmanuel(1961). *Totalite et infini*. The Hague: Nijhoff.
- Liotard, Jean-Francois(1979). *La condition postmoderne*. Paris: Edition de Minuit.
- McLuhan, Marshal(1964). *Understanding Media*. New York: Mc Graw-Hill.
- Poster, Mark(1990). *The Mode of Information: Poaststructuralism and Social Context*. Cambridge: Polity Press.



Postman, Neil(1991). *Technopoly*. New York: A.A. Knopf.

Rawls, John(1971). *A Theory of Justice*. Cambridge: Harvard.

Rosnagel, A. et al.(1989). *Die Verletzlichkeit der 'Informationsgesellschaft'*. Opladen.

Sloterdijk, Peter(1993). *Kritik der Zynischen Vernunft*. Frankfurt a.M.: Suhrkamp,2 Vol.

Vattimo, Gianni(1985). *La fine della modernita*. Milano: Garzanti.

Vattimo, Gianni(1989). *La societa trasparente*. Milano: Garzanti.

Webster, F., Robins, K.(1986). *Information Technology: A Luddite Analysis*. Norwood, NJ: Ablex.

Winograd, Terry, Flores, Fernando(1986). *Understanding Computers and Cognition: A New Foundation for Design*. Norwood, NJ: Ablex.

